

پدرمان را قصاص کنید

27 تیر 1403

مرد میانسال که به اتهام قتل همسرش در دادگاه کیفری یک استان تهران محاکمه شده بود، با درخواست قصاص از سوی فرزندانش روبه‌رو شد.

شهریور سال ۱۴۰۱ مردی در تماس با مرکز فوریت‌های پلیسی از قتل همسر 50 ساله‌اش در خانه خبر داد و گفت: من همسر را کشتم و می‌خواهم تسلیم شوم. با این تماس مأموران کلانتری شهرری به خانه این مرد رفتند و پس از ورود به خانه با جسد خونین زن میانسال به نام نسرین مواجه شدند. شواهد اولیه نشان می‌داد که عامل قتل با چاقو گلوی قربانی را بریده است.

مرد 55 ساله نیز بازداشت شد و با تکمیل تحقیقات پرونده برای رسیدگی به شعبه 10 دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد.

در دادگاه چه گذشت

در ابتدای جلسه پسر و دو دختر مقتول برای پدرشان درخواست قصاص کردند. پس از آن دختر بزرگ خانواده به جایگاه رفت و در حالی که اشک می‌ریخت و به سختی صحبت می‌کرد، گفت: از زمانی که کوچک بودم همیشه پدر و مادرم با هم اختلاف داشتند و سر هر موضوعی با هم دعوا می‌کردند. این دعواها برای ما دیگر عادی شده بود اما هیچ وقت فکر نمی‌کردیم که روزی پدرمان دستش به خون مادرمان آغشته شود. ما نمی‌توانیم پدرمان را ببخشیم و از خون مادرمان بگذریم. او بی‌گناه کشته شد. من، خواهر و برادرم برای او درخواست قصاص داریم.



سپس متهم به جایگاه رفت و گفت: اختلاف من و همسر من به چند سال اخیر نبود؛ ما از همان ماه‌های نخست ازدواج با هم اختلاف داشتیم و هرچه می‌گذشت، اختلافات مان بیشتر شد. این اواخر نسرین بابت هر موضوعی غر می‌زد و دعوا می‌کرد. او با رفتار من را به جایی رسانده بود که از خودم و او و زندگی‌ام خسته شده بودم اما به سختی صبوری می‌کردم. وی دوباره آخرین درگیری که منجر به جنایت شد، گفت: روز حادثه وقتی بچه‌ها خانه نبودند دوباره با

هم بحث کردیم و من از شدت عصبانیت به سرعت خانه را ترک کردم تا با او درگیر نشوم. یک ساعت بعد برگشتم و خیال می‌کردم او دیگر موضوع را ادامه نمی‌دهد اما به محض اینکه وارد خانه شدم، دیدم هنوز دارد غر و لند می‌کند. برای اینکه او را ساکت کنم، دهانش را گرفتم تا ساکت شود ولی او مدام تقلا می‌کرد و من در یک لحظه کنترلم را از دست دادم و چاقویی را برداشتم و زیر گلویش کشیدم. ناگهان روی زمین افتاد و من تا به خودم آمدم، او دیگر نفس نمی‌کشید. چند دقیقه‌ای بالای سرش نشستم و بعد هم با پلیس و فرزندانم تماس گرفتم و موضوع را گفتم. من احساسات فرزندانم را درک می‌کنم اما باور کنید قصد نداشتم همسرم را بکشم و در یک لحظه نمی‌دانم که چرا دست به این کار زدم. با پایان دفاعیات متهم، قضات برای صدور رأی وارد شور شدند.